

عنوان مقاله: تحلیل انتقادی نظریه تمایز بوردیو با رویکرد فرانظری

نویسندگان: طاهره لطفی خاچکی ، علی یوسفی

منبع: پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ماهنامه علمی. سال ۲۲ شماره ۱. قروردین ۱۴۰۱. صص ۳۵۷-۳۸۰

چکیده

• نوشتار حاضر در پی معرفی و نقد نظریه تمایز بین بوردیو با یک رویکرد فرانظری است تحلیل فرانظری تمایز با تاکید بر چهار محور زمینه های فکری و اجتماعی نظریه پرداز، مفروضات اساسی، مفاهیم محتوایی، روابط منطقی، گزاره ها و فرایندهای تبیینی نظریه و نقد نظریه صورت گرفته است. نتایج تحلیل فرا نظری نشان داد جهان اجتماعی بوردیو مملو از توزیع ناخوشایند موقعیت و منابع است و این امر دغدغه نظری تمایز را در نزد او برجسته ساخته است. تاثیرات متضاد تفکرات وجودگرایی و ساختارگرایی و کنشگری مارکسیستی، نیز علاقه به نظریه ی تلفیقی را در بوردیو به وجود آورده است.

تفکرات وجودگرایی و ساختارگرایی و
کنشگری مارکسیستی

- وی در این تلفیق، بر آن است تا عاملیت افراد را به گونه ای در نظر گیرد که هم بر ذهن و هم بر ساختار اثر بگذارد. او جامعه را مجموعه به هم پیوسته ای از میدان ها، سرمایه ها و عادت واره ها می داند. حسب نظر او تفاوت در عادتواره، سرمایه و موقعیت در میدان به تفاوت و تمایز سبک های زندگی می انجامد. با این حال، توجه ناکافی به جنبه های اخلاقی کنش، نادیده گرفتن نقش احساسات در روند استدلال و اولویت دادن به منافع به عنوان مبنایی بر رقابت اجتماعی از مهم ترین نقدهای وارده بر نظریه تمایز بوردیو است.

تفاوت و تمایز سبک های زندگی

- محققان معانی متفاوتی از فرا نظریه ارائه کرده اند که از تجزیه و تحلیل نظریه ، ایجاد یک نظریه برای نظریه ها، تجزیه و تحلیل ساختارهای نظریه(والاس) ادغام چندگانه نظره ها(ادواردز) تجزیه و تحلیل فرضیات و مفروضات ضمنی نظریه ، متفاوت است. گرچه در فرهنگ واژگان فرا به «پس از آن پدید آمدن» و «به دنبال» فعالیت های پیشین تعریف شده، در بسیاری از حلقه های جامعه شناسی و فرانظریه پیش شرط بنیادی ساختن نظریه کارآمد به حساب می آید. در جامعه شناسی، فرا نظریه معمولاً تاکید دارند که تا وقتی به پرسش های بنیادی تر معرفت شناختی و متافیزیکی پاسخ ندهیم، نمی توانیم نظریه پردازی کنیم.

پیش شرط بنیادی ساختن نظریه کارآمد

- در این شرایط که ابهامات زیادی در زمینه نظریه پردازی وجود دارد، فرانظریه پردازی اقدامی سودمند است، زیرا قادر است هم به خود نظریه و هم به نقد آن کمک نماید. فرا نظریه پردازی می تواند همچون یک رویکرد با یک روش مورد استفاده قرار می گیرد.

یک رویکرد با یک روش

- والاس (۱۹۹۲) اشکال فرانظریه پردازی را شامل تجزیه نظریه به مولفه های آن، دسته بندی نظریه ها به مقوله های نشان دهنده فرضیه ها، متغیرهای مشاهده پذیر و روابط علی میان آنها در نظر می گیرد و اینشتاین (۱۹۹۲) فرایند ساخت و اشکال ساخته شده جامعه شناسی / مرور بازاندیشانه نظریه ها با هدف کشف کثرت، پیوستگی و گسستگی نظریه جامعه شناسی را از اشکال فرانظریه پردازی می داند.

متغیرهای مشاهده پذیر و روابط علی میان آنها

مفروضات اساسی

مفروضات هستی شناختی

- بورديو در بعد هستی شناسی جامعه را فضایی اجتماعی مرکب از مجموعه به هم پیوسته ای از میدان (ساختارها) و افراد دارای عادتواره های مرتبط با میدان می داند که به عنوان کنش گر در قالب قواعد حاکم بر میدان های اجتماعی و طبق عادتواره های خود در جهت دست یابی به انواع سرمایه با هم د تعامل و رقابت قرار دارند. کنشگران با تعاملات و کنش های خود در تثبیت با تغییر فضای اجتماعی موثر واقع می شوند.



عادتواره

• ترنر (۱۳۷۲) به عنوان یک منتقد معتقد است اغلب نظریه های جامعه شناختی بیش تر از یک برداشت لفظی را از جامعه به دست می دهند، تا یک دسته از قضایای دارای استحکام و انسجام منطقی ترنر در مقاله «استفاده و سوء استفاده از فرانظریه» به این نکته اشاره می کند که غیر ممکن است فعالیت های بسیاری، از فرا نظریه پردازان فعلی را علمی محسوب کنیم آنها ما را وارد بحث های فلسفی غیر قابل حل در مورد هستی شناسی ها، متافیزیک، معرفت شناسی و شاید زیبایی شناسی می کنند و با پذیرش ایدئولوژی و تعصبات ضمنی این یا آن نظریه چیزی جز مجموعه دیگری از تعصبات ایدئولوژیک تولید نمی کنند و نظریه را حتی بیشتر از تحقیق و آزمایش های تجربی می پذیرند.

- بورديو مناسب با خصلت تكوينى جامعه براى جامعه شناسى هم خصلتى پويا و باز انديشانه قايل است او براى تحقق اين منظور سعى نمود با پرهيز از دوگانه انگارى هاى ساخت گرايى در برابر فردگرايى، با عينى در برابر ذهنى، با كمى در برابر كيفى با بينش و روشى تلفيقى به مطالعه پديده هاى اجتماعى بپردازد تا بتواند ابعاد و جنبه هاى متفاوت پديد را توصيف نمايد و در تبين آن ينز عوامل ذهنى و عينى را مورد توجه قرار دهد.

پرهيز از دوگانه
انگارى هاى
ساخت گرايى در
برابر فردگرايى

- عادتواره به عنوان میانجی و واسطه ی بین تاثیرات گذشته و انگیزه ها و محرک های کنونی در ان واحد هم ساخت مند است زیرا به وسیله نیروهای اجتماعی الگودار تولید می گردد و هم ساخت دهنده است، زیرا به فعالیت های متنوع و گوناگون فرد در حوزه های منفک و مختلف زندگی شکل داده و بدان انسجام می بخشد (واکووانت، ۱۳۷۹، ۳۳۵) ذوق و میدان به روابط بین عاملین اجتماع در جهان عینی مرتبط استف میدان پهنه اجتماعی کمابیش محدودی است که تعداد زیادی از بازیگران با کنشگران اجتماعی با عادتواره های خاص خود و سرمایه هایی که دارند، عمل می کنند و به رقابت همگرایی با مبارزه با یکدیگر می پردازند تا بتوانند به حداکثر منافع و امتیازات ممکن ئدست پیدا کنند.

تمایز (Distinction)

- مفهوم تمایز به معنی مجموعه تفاوت هایی است که در رفتارها و سبک های زندگی افراد جامعه به دلیل موقعیت های متفاوتشان از لحاظ سرمایه و قرار گرفتشان در میدان های اجتماعی گوناگون، ظاهر می شود. عادتواره و همه آنچه که سلیقه فرهنگی، ذائقه غذایی، انتخاب هنری و ... نامیده می شود، رابطه مستقیم و قابل اثباتی با وضعیت و موقعیت اجتماعی افراد دارد. به گونه ای که می توان میان حوزه هایی چون غذا، لباس، سلايق هنری و ... از یک سو و وضعیت اجتماعی افراد از سوی دیگر روابط منطقی ایجاد کرد.

سلیقه فرهنگی، ذائقه غذایی،
انتخاب هنری

بر هم کنشی اجزای عادت واره

- سلیقه، عمل واقعی تبدیل کردن هر چیز به نشانه های تشخص و تمایز، در تبدیل توزیع های پیوسته به تقابل های گسسته است. سلیقه، کرد و کارهای عینا طبقه بندی شده ای است که شرایط طبقاتی معینی را دلالت می کند و به حدود نمادین موقعیت طبقاتی تبدیل می شود

- ذوق و سلیقه منبع نظام ویژگی های متمایزی است که هر کس که شناختی عملی درباره روابط میان نشانه ها و موقعیت های متمایز در این توزیع ها دارد. باید آن را به مثابه تجلی سیستماتیک یعنی به مثابه سبک زندگی متمایز تشخیص دهد.

صورت بندی منطقی گزاره های تمایز

- ترتیب و ربط منطقی گزاره های اصلی نظریه تمایز را می توان مطابق شرح زیر تدوین نمود:
- ۱- در جهان اجتماعی میدان های گوناگونی وجود دارد.
- ۲- مهم ترین میدان میدان مصرف است.
- ۳- در میدان مصرف، سرمایه های متفاوتی وجود دارد
- ۴- در میدان مصرف، منابع تمای بخش محدود است
- ۵- از مهم ترین منابع تمایز بخش سرمایه های فرهنگی هستند
- ۶- افراد در جست و جوی کسب سرمایه های فرهنگی هستند
- ۷- سرمایه های متفاوت عادتواره های متفاوت ایجاد می کنند.
- ۸- تفاوت در عادت واره، سرمایه و موقعیت در میدان به تفاوت در سبک زندگی (تمایز) می انجامد.

بر هم کنشی اجزای درون میدان

- میدان های مصرف بسیار متنوع و پراکنده هستند آنها از یک فعالیت تفریحی تا نمودهای معمول در مکالمات در خانه، محل کار، مدارس و ... را در بر می گیرند. در بازار فرهنگی - و بی شک در هر جای دیگری - مطابقت عرضه و تقاضا نه معلول ساده تحمیل شدن تولید به مصرف است و نه معلول تلاش آگاهانه برای تامین نیازهای مصرف کنندگان، بلکه نتیجه هم آهنگی عینی در منطق نسبتا مستقل است یکی منطق میدان تولید و دیگری منطق میدان مصرف به گونه ای که منطق مصرف کالاهای فرهنگی، توسط این دو میدان تعیین می شود (بوردیو، ۱۳۹۵)

منطق میدان تولید و دیگری منطق میدان مصرف

- نتایج تحلیل فرا نظری تمایز نشان داد جهان اجتماعی بوردیو مملو از توزیع ناخوشایند موقعیت و منابع است و این امر وی را به سمت نظریه تمایز سوق داد. تاثیرات متضاد فکرات وجود گرایی و ساختار گرایی و کنشگری مارکسیستی نیز علاقه به نظریه تلفیقی را در وی به وجود آورد. وی ساختار گرایی سازه ای (Construtive Structuralism) را راهی برای آشتی عاملیت و ساختار می یابد و بر آن است تا هیچ یک از دو عامل عاملیت و ساختار را تعیین کننده تر و دارای وزن بیشتر در نظر نگیرد. وی عاملیت افراد را به گونه ای درسخان است اما مشکلاتی نیز در دیدگاه مبتنی بر ذائقه و عادتواره از نابرابری وجود دارد که می توان آن ها را به صورت زیر لیست کرد:

- ۱- اولاً وقتی که **اقتصاددانان نئوکلاسیک** سعی می کنند تا به تبیین رفتار بپردازند. به عادت واره ی بورديو متوسل می شوند، زیرا در هیچ کدام، انتخاب ها و قضاوت های اخلاقی (Moral Choices) جایگاهی ندارند.
- ۲- ثانياً بورديو قضاوت های اخلاقی کنشگران را - با نادیده گرفتن آنها و با کم اهمیت دانستن آنها و وابسته دانستن قضاوت ها به موقعیت قرار گرفتن در میدان اجتماعی تقلیل می دهد.
- ۳- نظریه بورديو به طور ضمنی با اولویت دادن به منافع به عنوان مبنایی برای مبارزات اجتماعی، تفسیر رفتار افراد بر اساس سوء ظن نسبت به آنها است، نه درک احساسات افراد و هم دلی با آنان